

مدینه فاضله فارابی

(۲)

- معلم دوم دو رساله نفیس دربارهٔ مدینه فاضله پیادگار گذاشت .
- ۱ - سیاست مدینه ملقب به مبادی موجودات .
 - ۲ - آراء اهل مدینه فاضله «چاپ اروپا بیروت مصر»
- اینها مشهورترین نوشته‌هایی است که روش فلسفی او را از دیدهٔ جامعه‌شناسی دربردارد . تاریخ‌تحریر این رساله‌ها بدرستی معلوم نیست .
- آراء اهل مدینه فاضله :**
- از آغاز پرورش فلسفه که بکوشش و همت سقراط ، افلاطون و ارسطو پایه‌گذاری شد تا امروز سیاست و اجتماع از روشن‌ترین مسائل فلسفی بشمار می‌آید .
- فارابی نشاط علمی را در زمینهٔ جامعه‌شناسی و سیاست به‌کار می‌برد و چند رساله را اختصاص باین رشته‌ها داده است .
- مشهورترین حکایت این است که ، این ابی‌اصیب مؤلف کتاب مشهور تاریخ حکماء گوید :
- فارابی در بنفداد به تألیف کتاب خود پرداخت ، (مدینه فاضله ، مدینه جاهلیت ، مدینه فساد ، مدینه تبدیل یافته ، مدینه گمراهان .)
- در آخرهای سال ۳۳۰ هـ رساله را به‌مراه خویش به شام برد و در

۳۳۱ در دمشق آنرا به پایان رسانید ، بعداً دوباره نظر نمود ، و آنرا در سال ۳۳۷ هـ در مصر مبوب و تکمیل کرد .

نگاهی به مندرجات اهل مدینه فاضله :

هدف فارابی در تألیف این رسالهٔ تکوین اجتماع صالح باصطلاح یونانیان « یوتوبیا » بود . این نوعی از جمعیت هاست که پیش از او گروهی از فلاسفه یونان نظر داده‌اند . مانند کتاب جمهور ، بنشای اضمیرو و مدینه آفتاب از جمبول .

فارابی می‌خواست مانند ایشان مدینه‌ای را طرح ریزی نماید تا برفوق مرام و مبادی اساسی فلاسفه فراهم آید ، آنگاه کتاب را در دو بخش قرارداد ، بخش نخست مبادی فلسفه که متمعن بود ، بر همان اساس مدینه را طرح ریخت بنانهاد و پایه‌گذاری نمود ، بخشی را به شئون شهری و تشریح اجتماع شهری اختصاص داد .

آنچه که برای شاخه‌های زندگانی اجتماعی شایسته است بر طبق پایه‌های بخش نخستین طبقه بندی نمود ، بخش فلسفی که سر آغاز کتاب است در وجود اول که « خدا » است بحث می‌کند قسمتی از صفات الهی که باصطلاح فلاسفه چگونه از « صادر اول » تراوش دارد صحبت می‌کند . در مرتبه‌های موجودات روحانی ، مادی و حالات تهریک از آن گروهها ، تجزیه و تحلیل نفس انسانی ، نیروها و بستگی آن با یکدیگر اراده ، اختیار ، خوشبختی ، خواب‌ها ، وحی و الهام به گفتگو می‌پردازد . اندیشه‌ها و نظریه‌های وی در این بخش از فلسفه افلاطون ارسطو ، افلاطونی نوین و مبادی اسلام الهام می‌گیرد و جهشهای آنها را بهم در می‌آمیزد هر گاه درست دقت شود دیده می‌شود که برخی از نظریه‌ها و اندیشه‌های او خالی از جمود و خشکی نیست .

فارابی کوشا بود که ما بین اندیشه‌ها و ظهور و بروز و جهش اجتماع آنها را بهم پیوند دهد تا همه بیک صورت گردند تا در نتیجه اجتماعی متشکل شود که اجزاء جامعه‌اش بهم پیوستگی یا بند .

اجتماع مردم با یکدیگر ریشه‌اش از جمعیت‌های مختلف سرچشمه می‌گیرد آدمی نیاز با اجتماع و همراهی افراد دارد ، قرار جامعه بر این است که از جهتی انسان اجتماعی شود ، چون مجبور است ، آدمی برای نیازمندی‌های خویش هم مجبور به تشکیلاتی است .

از اجتماع انسانی جمعیت‌های مختلف پدید می‌آید .

اجتماعات دو بخش می‌شوند ، جامعه کامل به تعاون اجتماعی صورت می‌پذیرد ، جمعیت‌های ناقص که بنام تعاون ولی نادرست تشکیل می‌شوند ، چنین جامعه‌ای نمی‌تواند سرسامانی یابد . چون نادرست نخواهد توانست بمدینه فاضله رسد .

جامعه کامل :

اجتماعات کامل سه مرحله دارد ، بالاتر از همه مرتبه اجتماع است که دولت را تشکیل می‌دهد .
همه مردم جهان در زیر سایه قدرت يك حکومت جهانی قرار می‌گیرند ، دیگر اجتماع مردمیست که بخشی از عمران و آبادی را در قلمرو حکومت مستقلی داراست . مردم شهرستانهاست که بخشی از ملت بشماره می‌آیند .

اجتماعات ناقص :

اجتماعات ناقص سه مرتبه دارد ، طبقه محدودتر و کمتر از همه اجتماعات کامل ، جمعیت روستا و گروه مردم کوی و برزن است که بخشی از اجتماع بشمار می‌آیند ، گروهی که از همه اجتماعات محدودترند اجتماع يك محل است که جزئی از مردم کوی و برزن هستند ، محدودتر از همه اجتماع افراد خانواده است که جمعیت خانه را تشکیل می‌دهند . اجتماع تدریجاً پیشرفت می‌کند و در جامعه جهانی قرار می‌گیرد و بهم پیوند می‌گیرد تا يك حکومت در جهان تشکیل دهند .

ملاحظه می‌شود که فارابی نخستین اجتماع را چگونه یادآور می‌شود ، آن را از همه جمعیت‌ها کامل‌تر می‌پندارد ، پیش از وی کسی چنین اندیشه‌ای را منتشر نکرد ، هیچ يك از فلاسفه یونان مانند افلاطون و ارسطو در فلسفه‌ها و اندیشه‌های اجتماعی بدان برخورد نمودند و این گونه پندارها را نداشتند ، آنچه که نظر دادند در مورد تشکیل دولت حکومت‌های کوچک بود ، توضیح اینکه هر يك از اجتماع شهر یا محدوده آن چگونه تشکیل می‌شود ، یا بعضی از شهرها و حومه را مردم چگونه پدید می‌آوردند .

ایجاد يك حکومت جهانی :

گویا فارابی در زیر تأثیر تعلیمات اسلامی قرار گرفته ، چه هدف‌عالی اسلام ایجاد يك حکومت جهانی است که دنیا را اداره کند .

فارابی دو نوع از جامعه را غفلت نمود که شرح دهد. ۱- اجتماع جهانی
 ۲- اجتماع يك ملت در مورد اجتماع شهری و بسیاری از جمعیت‌های دیگر
 سخن را کوتاه و مختصر نموده تا بتواند «مدینه فاضله» را شرح دهد، شاید
 غفلت فارابی از این نظر باشد که اجتماع جهانی را بصورتی که تعریف مینماید
 اجتماع ایده‌آلی است چه بسا مشکل اتفاق افتد، دیگر اجتماعات کامل که
 صلاحیت تشکیل شدن را دارند، ممکن است اجتماع بفساد کشیده شود.
 هدف فارابی این است که فضیلت انسانی در جامعه‌های کامل چگونه باید
 استوار گردد.

این هم مشکل بنظر می‌رسد! مگر ایستکه همه افراد مردم برای
 خوش بختی یکدیگر در تلاش شوند، کاری که شایستگی آن را دارند وظیفه
 خویش قرار دهند و به انجامش رسانند.

بالاترین وظیفه مدینه فاضله:

بزرگترین خطری را که فارابی نظر دارد و به آن تکیه می‌کند وظیفه رهبری
 و ریاست بر اجتماع است.

چه رئیس و پیشوای مدینه فاضله قدرت بزرگی را داراست، همه نبروها
 از وی یاری می‌جویند، اوشاهکار خلقت است که همه انتظامات و کمالات با
 اوست، ریشه زندگانی مدینه فاضله و پایه نظام جامعه است، بمنزله قلب در
 بدن است، بلکه مانند سایه خداوندی مقام «ظل‌اللهی» است از این جهت همه
 کس شایستگی ریاست و رهبری مردم را ندارد مگر اینکه دارای صفات نیک،
 فطرت پاک، خرد، دانش اخلاق، دیانت و آخرین مراتب کمال انسانی
 باشد. (۱)

با آنکه فارابی اعتراف دارد که، مشکل است تمام این شرط و صفتها
 در يك فرد جمع شود، بازهم صفت دیگری افزوده که تقریباً محال و غیر ممکن
 است.

۱- فارابی دوازده صفت فطری و شش خصلت اکتسابی برای شرایط
 رهبر و پیشوا در رساله مدینه فاضله قید نموده است.